



محسن جهانگیری

گام‌های جدی
در حوزه
فلسفه تطبیقی و
ابن عربی پژوهی

فاطمه فنا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



استاد گرانقدر، دکتر محسن جهانگیری، در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی در ضیاءآباد، قصبه‌ای میان قزوین و ابر، دیده به جهان گشود. پدرش، شادروان ابوالفضل خان جهانگیری از تبار خان‌های بختیاری، مسلمانی معتقد و متشرع بود و مادرش، مرحومه فاطمه نعیمی، زنی ساده و دیندار بود. دکتر محسن جهانگیری پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، در چهارده سالگی به منظور فراگیری علوم دینی رهسپار قم شد. بیش از یک دهه از دوران عنفوان شباب را با شور و شوق فراوان و خلوص نیت و صفای باطن به طلبگی اشتغال داشت. در قم توفیق شاگردی نزد استادان بزرگی نصیب وی شد که از آن جمله شیخ ابوالقاسم نحوی، حاج میرزا جواد سدهی، آقای صدوقی یزدی، آقای سلطانی طباطبایی، آقای مجاهدی از علمای تبریز، شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله حجت کوه‌کمری، آیت‌الله بروجردی، میرزاتقی اشراقی، آقای مفید و علامه سیدمحمدحسین طباطبایی را می‌توان نام برد. در ۱۳۳۲ قم را به قصد تهران ترک گفت. در تهران به تدریس علوم دینی پرداخت. در اثنای اقامت در تهران بر آن شد تا به مطالعه فلسفه غرب بپردازد، از این‌رو در دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد. ابتدا مدتی در دانشکده معقول و منقول (دانشکده الهیات فعلی) و آن‌گاه در دانشکده ادبیات نزد اساتید برجسته‌ای چون میرزا محمود شهبازی، دکتر موسی عمید، دکتر غلامحسین صدیقی، آقای راشد، دکتر فردید، دکتر حمید شیرازی، آقای الهی قمشاهی، آقای سیدحسن تقی‌زاده، آقای سیدکمال‌الدین نوربخش، آقای بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر منوچهر بزرگمهر و دکتر یحیی مهدوی به فراگیری دروسی در فلسفه اسلامی و فلسفه غرب مشغول شد. پس از اخذ درجه دکتری به تدریس در دانشگاه تهران مشغول شد و از ۱۳۵۴ رسماً از وزارت فرهنگ به دانشگاه تهران منتقل گردید.

وی از اساتید گرانقدر و کوشای فلسفه است که به ویژه طی سه دهه اخیر با تدریس و تحقیق و تألیف‌های ارزشمند خود همواره در خدمت فرهنگ و دانش ایران اسلامی بوده و ثمره آن بهره‌هایی است که شاگردانش از کلاس‌های درس‌اش بردند و همچنین صدها پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری است که با راهنمایی ایشان به انجام رسیده و مهمتر از همه کتب و مقالات ارزنده وی در زمینه فلسفه و عرفان و کلام است که همواره می‌تواند رهنمودهای ارزنده‌ای در زمینه علوم مذکور در اختیار طالبان علم قرار دهد.

آثار مکتوب

ثمره مطالعه و تحقیق و تدریس استاد، آثار مکتوب ارزشمند و وزینی در قالب کتب تألیفی، ترجمه، تصحیح و مقالات است که نشانگر دانش عمیق و جدیت و همت وی در خدمت به فرهنگ ایران اسلامی است. آثار قلمی ایشان را در چند شاخه موضوعی بدین شرح می‌توان دسته‌بندی کرد:

فلسفه

الف) فلسفه غرب:

کتاب‌های تألیفی:

- فرانسویس بیکن (احوال و آثار، عقاید و افکار و ارزشیابی)، تهران ۱۳۶۹، چاپ دوم با اصلاحات و اضافات، ۱۳۷۶؛ این کتاب توسط عبدالرحمن علوی تحت عنوان فرانسویس بیکن ارائه و آثاره در ۱۴۲۶ هـ. ق/ ۲۰۰۵م در بیروت ترجمه و منتشر شده است.

کتاب‌های ترجمه‌ای:

۱. اسپینوزا: اخلاق، تهران ۱۳۶۴؛ چاپ دوم (با اصلاحات و اضافات)، ۱۳۷۶.

۲. اسپینوزا: شرح اصول فلسفه دکارت و تفکر مابعدالطبیعه، تهران: ۱۳۸۲.

مقالات:

- روش فرانسویس بیکن فیلسوف تجربی مذهب انگلیسی.

- فرانسویس بیکن، طبقه بندی علوم.

آشنایی با اسپینوزا را

در ایران

طی چند دهه اخیر

باید مرهون تلاش‌های

محققانه استاد

دکتر جهانگیری بدانیم

که در عرصه تحقیق،

تدریس، تألیف و ترجمه،

چنانکه در فهرست

آثار وی ملاحظه شد،

بدین امر

همت گماشته

است.

- شرح اصول فلسفه دکارت.
- زندگی نامه اسپینوزا (قسمت اول).
- زندگی نامه اسپینوزا (قسمت دوم) مکاتبات.
- روش‌های اسپینوزا، تجربه.
- اقسام علم و مسائل مربوط به آن از نظر اسپینوزا.
- علیت الهی در فلسفه اسپینوزا.
- طبیعت به صورت نظام حالات در فلسفه اسپینوزا.
- مفاهیم و مسائل اخلاقی در فلسفه اسپینوزا.
- مقاله‌ای تحقیقی - انتقادی درباره مفاهیم و مسائل اخلاقی در فلسفه اسپینوزا.
- اختیار و مسائل مربوط به آن در فلسفه اسپینوزا.
- علت غایی و غایت در نظام فلسفی اسپینوزا با زمینه تاریخی آن.

ب) فلسفه اسلامی:

مقالات تألیفی:

- سقراط حکیم از دید حکمای ایرانی.
- خرده‌گیران ابن‌سینا.
- حکمت اشراق.
- شرح احوال و ذکر آثار و نقل افکار شیخ بهایی.
- عرفان ابن‌سینا یا نظر ابن‌سینا درباره عرفان.
- جبر و اختیار.

تصحیح:

- صدرالدین محمد شیرازی، ملاصدرا، کسر اصنام الجاهلیة، تهران ۱۳۸۱؛

مقالات ترجمه‌ای:

- غزالی: مابعدالطبیعه، شیخ سعید، در: تاریخ فلسفه در اسلام، محمد شریف، ج ۲، تهران، ۱۳۶۵.
- سیر فلسفه، با همکاری رضا داوری و فریدون حقیقی، تهران، ۱۳۵۶.

ج) عرفان

کتاب‌های تألیفی:

- محیی‌الدین ابن عربی: چهره برجسته عرفان اسلامی، تهران، ۱۳۵۹. گفتنی است که این اثر برای ششمین بار با اصلاحات و اضافات زیر چاپ است. ترجمه اردو با نام: محیی‌الدین ابن عربی: حیات و آثار، توسط احمد جاوید و سهیل عمر، لاهور، ۱۹۸۹م؛ ترجمه عربی با نام: محیی‌الدین ابن عربی الشخصية البارزة فی العرفان الاسلامی، توسط عبدالرحمن علوی، بیروت ۱۴۲۴ هجری قمری / ۲۰۰۳؛

مقالات:

- وحدت دین و اختلاف شرایع از دیدگاه ابن عربی.
- معرفی کتاب ترجمان الاشواق.
- ترجمان الاشواق.
- ابن عربی.
- محیی‌الدین ابن عربی.
- مقام زن در عرفان ابن عربی در حدود شریعت.
- مفهوم انسان کامل و مصادیق آن در عرفان نظری محیی‌الدین ابن عربی مرسایبی و حکمت متعالیه صدرای شیرازی.

د) کلام:

مقالات تألیفی:

- پیدایش کلام و منزلت آن در میان علوم.
- قدریان نخستین.
- ابوالحسن اشعری مؤسس کلام اشعری.



- اشاعره.

- اشعری.

- آراء کلامی جاچظا.

مقالات ترجمه‌ای:

- کلام سنتی و منازعات الهیاتی، جیمز پاولین، در: تاریخ فلسفه اسلامی، زیر نظر سیدحسین نصر، ج ۱، تهران، ۱۳۸۳.

- کلام قدیم، محمد عبدالحلیم، در: همانجا^۲

رفتار و سلوک استاد جهانگیری الگوی ارزشمندی از پایبندی به شریعت و اصول اخلاقی و انضباط در علم و عمل است. طی سال‌ها افتخار شاگردی ایشان در سه مقطع کارشناسی، ارشد و دکتری، هرگز به یاد ندارم و از دیگران هم نشنیده‌ام که در انجام پسندیده وظایف استادی خود کوتاهی کرده باشد یا شیوه‌های دوگانه در سلوک داشته باشد. در تدریس، همواره مستند و محققانه دانش و یافته‌های خود را منتقل می‌کرد، بی‌آنکه بکوشد چیزی را بر شاگردان خود تحمیل و تلقین کند. هر اندیشه‌ای را ابتدا چنان تبیین و بررسی می‌کرد که گویی از قائلان سرسخت آن است و آن‌گاه به نقد و ارزیابی مستدل آن می‌پرداخت. بدین‌گونه هر دانشجویی فرصت می‌یافت تا دقیقاً با آن رأی و نظر آشنا شود و به همه زوایای آن پی برد و اگر نقدی بر آن وارد است بدان آگاه شود.

با نظر به آثار قلمی استاد می‌توان گفت که در فلسفه غرب، اسپینوزا و فلسفه او، و در عرفان، ابن عربی و افکارش با توجه به اینکه بیشترین حجم آثار استاد را به خود اختصاص داده‌اند، حوزه علائق مطالعاتی استاد را تعیین می‌کنند. ممکن است در نگاه اول توجه به این سه حوزه اتفاقی به نظر آید، اما بر خواننده آگاه، ارتباط وثیق میان آنها آشکار است، زیرا در اندیشه اسپینوزا و ابن عربی وجوه نظر بسیاری می‌توان یافت که قابل تطبیق و مقایسه‌اند. چنان که رساله دکتری وی مقایسه وحدت وجود در عرفان ابن عربی و وحدت جوهر در فلسفه اسپینوزا بوده است. به نظر استاد، میان این اندیشه، که نزد هر یک از صاحبان آنها جایگاه ویژه و اصیلی دارد و در واقع بنیان افکار آنها به شمار می‌رود، شباهت‌هایی هست و در نهایت به نتایج مشترکی می‌رسند. در عین حال، وی این دو را کاملاً متفاوت با هم می‌داند. به نظر استاد ابن عربی عارف بزرگی است که روشش کشف و شهود است و با اینکه عقل را در توجیه و تبیین حقایق به کار می‌گیرد، ولی آن را در کشف اسرار هستی عقل می‌شناسد و اندیشه انسان را در شناخت عالم و آدم بی‌مدد کشف و شهود و الهام ربانی ناتوان می‌داند. اما اسپینوزا فیلسوف بزرگی است که عقل و اندیشه انسان را اصیل می‌داند و سعادت و آرامش انسان را در قدرت عقل او می‌داند. اسپینوزا برخلاف ابن عربی پایبند شریعت نبوده و صرفاً به اقتضای عقل و حکمت خود زندگی کرده است.

آشنایی با اسپینوزا را در ایران طی چند دهه اخیر باید مرهون تلاش‌های محققان استاد دکتر جهانگیری بدانیم که در عرصه تحقیق، تدریس، تألیف و ترجمه، چنانکه در فهرست آثار وی ملاحظه شد، بدین امر همت گماشته است. از سوی دیگر، کتاب وزین و ارزشمند استاد درباره ابن عربی، مؤسس عرفان نظری در جهان اسلام، یکی از منابع معتبر برای آشنایی با ابن عربی و اندیشه اوست که می‌توان گفت در زبان فارسی بی‌نظیر و در مجموعه مطالعاتی که در این باب تاکنون در جهان صورت گرفته کم‌نظیر است. ارزش این کتاب در کارنامه فرهنگی و علمی استاد و جامعه دانشگاهی ایران وقتی آشکارتر می‌شود که به این نکته توجه کنیم که مطالعه درباره ابن عربی بزرگ و آرائش علاوه بر اینکه فی‌نفسه حائز اهمیت است، به واسطه تأثیر عمیقی که ابن عربی بر عرفان و فلسفه اسلامی پس از خود داشته، یکی از مؤلفه‌های اصیل در مطالعه محققان درباره عرفان و فلسفه اسلامی پس از او، به ویژه درباره حکمت متعالیه ملاصدرا است. آنچه ارجمندی خدمات علمی و فرهنگی استاد را در تمامی جلوه‌های فعالیت و آثارش بیشتر و برجسته‌تر می‌کند، این خصیصه همیشگی اوست که هیچ‌گاه از سر تعصب نسبت به اندیشه اسلامی و دینی یا تقلید و فریفتگی نسبت به اندیشه غربی، در رد یا دفاع از اندیشه‌ای، خواه غربی خواه اسلامی و دینی، سخنی بر زبان و قلم خود نرانده است و همواره با محک استوار عقل و اندیشه به اظهار نظر پرداخته است. از درگاه خداوند طول عمر پر برکت و توأم با سلامتی برای ایشان خواستارم.

پی‌نوشت

* مطالب مقاله حاضر، حاصل تجربه عینی نگارنده از سالها توفیق شاگردی استاد و آشنایی با ایشان از این رهگذر است. در عین حال گزارشی که از زندگی ایشان عرضه شده برگرفته از گفت و گوی ایشان است در: جشن نامه دکتر محسن جهانگیری، به اهتمام محمد رئیس‌زاده، فاطمه مینایی، سید احمد هاشمی، تهران ۱۳۸۶.

۱. عضو هیئت علمی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، گروه فلسفه و عرفان.

۲. فهرست آثار عرضه شده برگرفته‌ای است از: سید ابراهیم اشک شیرین، کتابشناسی دکتر جهانگیری، در جشن نامه دکتر محسن جهانگیری، به اهتمام محمد رئیس‌زاده، فاطمه مینایی، سید احمد هاشمی، تهران ۱۳۸۶. برای اطلاع از سایر مشخصات کتابشناسی آثار دکتر جهانگیری نک به همان، صص ۲۹ - ۳۴.

